

الگوی مصرف از نگاه تعالیم دین اسلام

حجه الاسلام والمسلمین دکتر سید علی رضا حجازی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قم

و استاد جامعه المصطفی العالمیه

Sa.hejazi@yahoo.com

09122538671

چکیده:

واژه «الگو» به معنای معیار، نمونه و سرمشق است مبانی اصلاح الگوی مصرف را می توان در مبانی عقلی و مبانی دینی خلاصه کرد. معیار اصلی در تشخیص میانه روی در مصرف و بلکه مهمترین اصل در اصلاح الگوی مصرف، به جا مصرف کردن، و نابه جا مصرف کردن است. خطرناک ترین مصادیق اسراف، افراط در رفاه طلبی، لذت جویی و تجمل گرایی است که در قرآن و روایات اسلامی از آن با عنوان های: «اتراف» و «تنعم» یاد شده است. اصلی ترین اقداماتی که انجام دادن آنها، به منظور اصلاح الگوی مصرف لازم و ضروری است، عبارتند از: برنامه ریزی، میانه روی، رعایت اولویت ها، همدردی در تنگناهای اقتصادی، رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی، ساده زیستی و در نظر گرفتن جامعه است. بنابراین مصرف هر چه به این معیارها نزدیک تر باشد، پسندیده تر و هر چه دورتر باشد، نکوهیده تر و نارواتر.

کلید واژه: الگوی مصرف، تعالیم دین اسلام، اسراف، میانه روی.

الگوی مصرف از نگاه تعالیم دین اسلام

واژه «الگو» به معنای معیار، نمونه و سرمشق است؛^۱ بنابراین این مقصود از عنوان «الگوی مصرف از نگاه تعالیم دین اسلام»، ارائه معیارها، بایدها و نبایدهایی است که برای اصلاح شیوه مصرف در جامعه اسلامی، در قرآن و سخنان پیشوایان اسلام آمده است. بدین منظور، چند مسئله باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد:

الف - مبانی اصلاح الگوی مصرف

مبانی اصلاح الگوی مصرف را می‌توان در دو مبنا خلاصه کرد:

۱. مبانی عقلی: رفاه و توسعه اقتصادی پایدار جامعه، راهی جز اصلاح الگوی مصرف ندارد؛ زیرا اگر الگوی مصرف، اصلاح نشود، مصرف بی‌رویه، موجب تباهی منابع سرمایه‌گذاری و مانع مشارکت همگان در هزینه‌های عمومی و بهبود توزیع درآمد می‌شود و بدون منابع سرمایه‌گذاری و مشارکت همگانی، توسعه پایدار امکان‌پذیر نیست. از این رو، در روایتی از امام صادق (ع) میانه‌روی - که از لوازم اصلاح الگوی مصرف است - از سپاهیان عقل، و مصرف بی‌رویه و اسراف از سپاهیان جهل شمرده شده است.
- همچنین در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «العقل انک تقتصد فلا تسرف: خردمندی این است که میانه‌روی کنی و اسراف نکنی.» بنابراین اگر هیچ دلیل شرعی‌ای برای اثبات ضرورت اصلاح الگوی مصرف نداشته باشیم، مقتضای عقل و تدبیر برای رسیدن به توسعه و رفاه پایدار، وجوب اصلاح الگوی مصرف و اجتناب از مصرف بی‌رویه است.

۲. مبانی دینی: از نظر اسلام ضرورت اصلاح الگوی مصرف، لااقل

سه مبنای محکم اعتقادی و اخلاقی دارد:

یک. اعتقاد به مالکیت خداوند متعال: باور داشتن به این اعتقاد که مالکیت انسان، اساساً اعتباری و در طول مالکیت حقیقی آفریدگار هستی است. این باور بدین معناست که انسان اجازه ندارد اموال در اختیارش را هرگونه که می‌خواهد، مصرف کند، چنان که در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «اموال از آن خداست و آنها را نزد آفریدگان خویش امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن، با میانه‌روی بخورند و با میانه‌روی بنوشند و با میانه‌روی بپوشند و با میانه‌روی ازدواج کنند و با میانه‌روی، وسیله سواری بخرند و سوار شوند و بیش از آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند. هر که از این حد [اعتدال و میانه‌روی] فراتر رود، آنچه از آن مال می‌خورد، حرام است و آنچه می‌نوشد، حرام و آنچه می‌پوشد، حرام و آنچه به وسیله آن مال، ازدواج می‌کند، حرام و آنچه سوار می‌شود، حرام است.» این سخن بدین معناست که اسراف و مصرف بی‌رویه مال، با اعتقاد به مالکیت خداوند متعال در تضاد است و اصلاح الگوی مصرف از لوازم توحید عملی است.

دو. اعتقاد به برادری دینی

از چشم‌انداز قرآن، همه اهل ایمان برادر یکدیگرند. پیوند برادری اهل ایمان از نگاه روایات اسلامی، آن‌قدر قوی است که آحاد جامعه همانند اعضای پیکر یک انسان‌اند: «المؤمن اخو المؤمن، كالجسد الواحد، ان اشتكى شيئاً منه و جد الم ذلك فی سائر جسده، و أرواحهما من روح واحدة، و ان روح المومن لاشد اتصالاً بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها: مؤمن برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضایش نیز آن درد را در خود احساس می‌کنند. روح آن دو مؤمن، از یک روح است. پیوند روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از پیوند پرتو خورشید به خورشید است.» این باور ایجاب می‌نماید که در جامعه اسلامی، توسعه و رفاه به صورت متعادل در میان یکایک مردم تقسیم گردد.

سه. تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت‌های مادی

در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «دواء النفس الصوم عن الهوی، و الحمیة عن لذات الدنيا: دواى نفس، باز ایستادن از هوس و منع نمودن از لذت‌های دنیا است.» در مقابل، لذت‌گرایی و زیاده‌روی در مصرف قرار دارد که موجب انحطاط معنوی و مانع کمالات نفسانی است. بر این اساس، کنترل خواسته‌های مادی، به منظور تکامل معنوی، لازم و ضروری است.

ب - الگوی تخصیص درآمد

در اینجا به تبیین الگوی تخصیص درآمد، و توضیح مواردی که درآمد باید در آنها مصرف شود، می‌پردازیم که عبارتند از:

۱. نیازهای شخصی: آیات و روایات فراوانی تأکید دارند که انسان باید از لذت‌های حلال مادی استفاده کند و در شماری از روایات، با این تعبیر که «خداوند متعال دوست دارد بهره‌گیری از نعمتی را که به بنده‌اش داده، ببیند»، مردم را به استفاده از این لذت‌ها، به اندازه‌نیاز، تشویق می‌نمایند و نیز کسانی را که خود را از لذت‌های مشروع زندگی محروم کرده‌اند، به شدت نکوهش می‌نمایند. البته تخصیص درآمد به نیازهای شخصی بایدها و نبایدهایی دارد که به آن اشاره خواهد شد.

۲. گشاده‌دستی برای خانواده: دومین مورد تخصیص درآمد - که در روایات اسلامی به آن توصیه شده - گشاده‌دستی در تأمین نیازهای خانواده است. این موضوع آن‌قدر اهمیت دارد که در روایتی از امام زین‌العابدین (ع) آمده است: «ارضاکم عندالله اسبغکم علی عیاله: خوشنودترین شما نزد خداوند کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار بدهد. در روایتی دیگر نیز امام رضا (ع) می‌فرماید: «صاحب النعمة يجب علیه التوسعة علی عیاله: بر آن که از نعمت برخوردار است، واجب است که بر خانواده‌اش گشاده‌دستی کند.»

۳. پس‌انداز: آینده‌نگری ایجاب می‌کند که انسان، همه درآمد خود را یکجا مصرف نکند، بلکه

آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، در صورت امکان، بخشی از درآمدش را پس انداز کند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده که می‌فرماید: «ان النفس اذا أحرزت قوتها استقرت: آدمی هرگاه وسایل زندگی‌اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد.» همچنین در موردی دیگر، آن حضرت در پاسخ گروهی از صوفیان - که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند - به پس انداز سلمان، برای زندگی سالیانه خود، به عنوان یک زاهد نمونه‌ای که الگوی مصرف اسلامی را رعایت می‌کرد، اشاره می‌فرماید.

بدیهی است که آینده‌نگری و پس انداز در سطح کلان برای تأمین نیازهای جامعه، از اهمیت دوچندانی برخوردار است و با آینده‌نگری فردی قابل مقایسه نیست. نمونه قرآنی آن نیز، آینده‌نگری حضرت یوسف (ع) در ذخیره گندم برای تأمین نیازهای آینده مردم است.

۴. سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت: نکته بسیار مهم و قابل توجه این است که توصیه روایات در تخصیص بخشی از درآمد به پس انداز، این نیست که پول به صورت نقدی پس انداز شود، بلکه با تأکید به اصلاح و ساماندهی مال و بهره‌وری از آن، مردم به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف تولیدی و تجاری تشویق شده‌اند تا آنجا که ساماندهی ثروت بخشی از ایمان شمرده شده است: «اصلاح المال من الایمان: نگاهداری نیکو از مال نشانه ایمان است.»

۵. مشارکت اجتماعی: یکی از موارد تخصیص درآمد - که قرآن و احادیث اسلامی بر آن تأکید دارند - هزینه کردن در راه خداوند متعال است. اقدام این افراد از نظر اسلام، آن قدر اهمیت دارد که در قرآن، در ردیف ایمان آورندگان به غیب و نمازگزاران شمرده شده است: «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقنهم ینفقون: [پرهیزگاران اینان‌اند]: کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌کنند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند.» (بقره/۳)

در روایات اسلامی، مکرر تأکید شده که این بخش از هزینه‌ها، در واقع، موجب باقی ماندن مال و ذخیره‌سازی آن برای جهان پس از مرگ انسان است. در روایتی آمده که گوسفندی را در خانه

پیامبر(ص) ذبح کردند و گوشت آن را به دیگران دادند. پیامبر(ص) از عایشه پرسید: «چیزی از آن مانده است؟» وی پاسخ داد: «چیزی جز کتف (سردست) آن باقی نمانده است.» فرمود: «به جز سردستش، همه آن باقی مانده است!» این روایت به این نکته اشاره دارد که آنچه برای خداوند، به دیگران داده شده، برای جهان پس از مرگ باقی می ماند و آنچه در راه مصارف شخصی هزینه شده، فانی می گردد.

خداوند متعال وعده داده است که پاداش آنچه را انسان برای خداوند هزینه کرده، به مراتب، بیش از آنچه هزینه کرده، در زندگی ابدی به او باز می گرداند: «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه والله یضاعف لمن یشاء والله وسع علیم: مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای، صد دانه باشد. و خداوند برای هر کس که بخواهد، [آن را] چند برابر می کند و خداوند گشایشگرِ دانا است.» (بقره/۲۶۱)

اما از آنجا که خداوند متعال بی نیاز مطلق است، هزینه کردن در راه خدا در واقع، به معنای هزینه کردن در جهت منافع دیگران و مشارکت در خدمات اجتماعی برای جلب رضای حق تعالی است؛ بنابراین شخص مسلمان، در صورت امکان، باید درآمد خود را به سه بخش تقسیم کند: بخشی را صرف نیازهای شخصی و رفاه خانواده خود کند، بخشی را به پس انداز اختصاص دهد؛ آن هم پس اندازها در جهت سرمایه گذاری تولیدی و تجاری، و بخشی را صرف کمک به نیازمندان و خدمات اجتماعی نماید. البته همه این موارد، ضوابط و بایدها و نبایدهایی دارند که به آنها اشاره خواهد شد.

ج - بایدهای الگوی مصرف، از امکانات شخصی:

اصلی ترین اقداماتی که انجام دادن آنها، به منظور اصلاح الگوی مصرف - البته از درآمدها و

امکانات شخصی - لازم و ضروری است، عبارتند از:

1. برنامه‌ریزی: نخستین رهنمود اسلام برای اصلاح الگوی مصرف، برنامه‌ریزی برای هزینه کردن و ایجاد تعادل میان دخل و خرج زندگی است. قرآن در این باره می‌فرماید: «لینفق ذو سعة من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله: بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی‌اش بر او تنگ شده باشد، از آنچه خداوند به او داده است، خرج کند.» (طلاق/۷) این سخن بدین معناست که هر کس باید فراخور درآمد خود، برای هزینه‌های زندگی خویش برنامه‌ریزی کند؛ زیرا درآمد همه مردم یکسان نیست. از این رو، هر کس برای رسیدن به توازن و تعادل میان دخل و خرج زندگی، باید برنامه خاص خود را داشته باشد. رعایت این توازن، حتی در شرایط مختلف اقتصادی زندگی یک فرد، نیز ضروری است.

این اقدام یکی از مصادیق بارز تدبیر در امور معیشتی است که پیش از ثروت، در رفاه و آسایش انسان مؤثر است و در کنار دین‌شناسی و مقاومت در سختی‌ها، به دست آوردن آن برای اهل ایمان ضروری است و عدم برخورداری از این ویژگی، گاه موجب می‌گردد که برخی از بینوایان از ثروتمندان اسراف‌کارتر شمرده شوند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «رب فقیر أسرف من غنی: بسا فقیری که از توانگر اسراف‌کارتر باشد.» گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: «إن الغنی ینفق مما اوتی، والفقیر ینفق من غیر ما اوتی: توانگر از آنچه به وی عطا شده، خرج می‌کند؛ ولی فقیر بدون آنکه به وی انفاق شود، خرج می‌کند.»

۲. میانه‌روی: دومین رهنمود برای اصلاح الگوی مصرف، میانه‌روی (اعتدال) در مصرف است. ممکن است درآمد شخصی به گونه‌ای باشد که هر قدر که مایل است، بتواند هزینه کند؛ اما اسلام اجازه نمی‌دهد بیش از نیاز مصرف نماید، البته باید توجه داشت که نیاز مراتبی دارد. دانشمندان نیازهای انسان را به سه مرتبه تقسیم کرده‌اند: ضرورت، کفایت و رفاه.

مراتب نیاز

یک. ضرورت (نیاز به امکانات ضروری): مرتبه نخست نیاز، نیاز انسان به امکانات اولیه ضروری

است؛ یعنی چیزهایی که ادامهٔ زندگی بدون آنها امکان‌پذیر نیست یا با مشکل جدی روبه‌روست. دو. کفایت (نیاز به امکانات مُکفی): مرتبهٔ دوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که برای ادارهٔ یک زندگی متوسط، اعم از نیازهای اقتصادی، علمی و فرهنگی، کافی است. سه. رفاه (نیاز به رفاه نسبی): مرتبهٔ سوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که افزون بر برخورداری از یک زندگی متوسط، رفاه و آسایش او را نیز در حد معقول و منطقی تأمین نماید. گفتنی است که هرچند در روایات اسلامی تأمین نیازهای زندگی در حد کفاف و برخورداری از یک زندگی متوسط مورد تأکید قرار دارد، اما برخورداری از رفاه نسبی نیز با میانه‌روی در مصرف منافاتی ندارد، لذا در روایتی از اسحاق بن عمار نقل شده که: به امام صادق(ع) گفتم: «آیا مؤمن می‌تواند ده پیراهن داشته باشد؟» امام(ع) فرمود: «آری». گفتم: بیست پیراهن چه؟ فرمود: «آری [اشکالی ندارد]» گفتم: «سی تا چه؟» فرمود: «آری. این اسراف نیست؛ اسراف آن است که لباس بیرونی‌ات (میهمانی‌ات) را لباس کار و دم‌دستی قرار دهی.» بنابراین در اسلام، مصرف بیش از حد رفاه نسبی اسراف و غیرمجاز شمرده شده است.

۳. رعایت اولویت‌ها

یکی از نکات بسیار مهم در اصلاح الگوی مصرف، در نظر گرفتن اولویت‌هاست. بی‌توجهی به این امر، هدر دادن سرمایه و گونه‌ای اسراف‌کاری است که مشکلات گوناگونی را در پی خواهد داشت. در روایتی از امام علی(ع) آمده است: «من اشتغل بغير المهم ضيع الأهم: هر کس به چیزی که مهم نیست پردازد، آنچه را که اهمیت بیشتری دارد، از دست می‌دهد.»^۲ بنابراین در تأمین نیازهایی که از درآمدهای شخصی صورت می‌گیرد، توجه به دو نکته ضروری است: یکم. در نظر گرفتن اولویت در شخص مصرف‌کننده؛ چنان‌که در روایتی از پیامبر(ص) آمده است: «إذا كان احدكم فقيراً فليبدأ بنفسه، فان كان فضلاً فعلى عياله، فان كان فضلاً فعلى قرابته أو على ذى رحمه، فان كان فضلاً فها هنا و هاهنا: هر یک از شما که فقیر است، نخست به خود پردازد.

اگر مالی افزون آمد، به خانواده‌اش بدهد، اگر بیشینه‌ای ماند، به خویشاوندان یا بستگانش بپردازد، و اگر باز هم ماند، این سو و آن سو هزینه کند.» همان‌طور که در این روایت آمده، انسان به طور طبیعی، باید در درجه اول نیازهای خود را تأمین کند، سپس نزدیکان و پس از آن، دیگران. اما گاه ضرورت ایجاب می‌کند که نیاز دیگران را مقدم دارد که این، از نظر اخلاقی، در اسلام پسندیده است و ایثار نامیده می‌شود.

دوم. در نظر گرفتن اولویت در نیاز مصرف‌کننده. باید تأمین نیازهای ضروری‌تر بر نیازهایی که تأمین آنها ضرورت کمتری دارد، مقدم شود.

اصلی‌ترین معیار اصلاح الگوی مصرف

معیار اصلی در تشخیص میانه‌روی در مصرف و بلکه مهمترین اصل در اصلاح الگوی مصرف، به جا مصرف کردن، و نابه‌جا مصرف کردن است. این معیار در روایتی از پیامبر (ص) بدین گونه بیان شده است: «من أعطی فی غیر حق فقد أسرف، و من منع عن حق فقد قتر: هر که به ناحق (بی‌جا) بخشش کند، اسراف کرده است و هر که به حق (به جا) خرج نکند، سختگیری و خست ورزیده است.» بر پایه این معیار عقلی و شرعی، همه بایدها و نبایدهای اصلاح الگوی مصرف را می‌توان مشخص کرد و تردیدی نیست که تأمین همه مراتب نیاز انسان‌ها از درآمد مشروع خود، از مصادیق روشن مصرف به جا محسوب می‌شود.

۴. همدردی در تنگنای اقتصادی: یکی از دستورالعمل‌های مهم اخلاقی در اسلام، مواسات و همدردی با توده مردم در تنگنای اقتصادی است. شخصی به نام مُعْتَب، روایت کرده که در زمان امام صادق (ع) - در شرایطی که بهای مواد غذایی، رو به افزایش بود - امام از من پرسید: «چقدر گندم داریم؟» گفتم: مقداری که ماه‌ها برای ما کافی است. فرمود: «همه را به بازار ببر و بفروش.» گفتم: در مدینه گندم نیست! فرمود: «ببر و آنها را بفروش.» پس از فروش آنها امام فرمود: «اکنون مانند همه مردم برو و گندم مورد نیاز ما را از بازار تهیه کن!» و افزود: «ای معتب! غذای خانواده مرا، نیمی جو و نیمی گندم قرار ده؛ خدا می‌داند که من توانایی این را دارم که خوراک آنان را تماماً گندم قرار دهم؛ ولی من دوست دارم که خداوند مرا این گونه ببیند که زندگی را خوب تدبیر می‌کنم.» این سخن بدین معناست که همدردی با مردم در تنگنای اقتصادی، بالاترین مراتب «تدبیر زندگی» و

زیباترین «الگوی مصرف» در اسلام است که باید مورد توجه ثروتمندان، به ویژه رهبران دینی و سیاسی باشد. ۵. رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی: یکی از نکات مهم در الگوی مصرف در مشارکت‌های اجتماعی، این است که باید به گونه‌ای عمل شود که دارای بیشترین بازدهی اجتماعی باشد. از این رو، هزینه کردن در مواردی که زیانش برای انسان، بیش از سودش برای دیگران است، نکوهیده شمرده شده است. چنان که در روایتی از امام کاظم (ع) آمده است: «لا تبذل لاختوانک من نفسک ما ضره علیک اکثر من منفعته لهم: برای برادران [ایمانی] خود، چندان از خودت مایه مگذار که زیان آن برای تو بیشتر از سودش برای آنهاست.» یعنی وقتی کسی بدهکاری زیادی دارد، شما نباید همه ثروتتان را برای پرداخت بدهی چنین شخصی بدهید؛ چون در این صورت، بدون آنکه بدهی او پرداخته شده باشد، همه ثروت خود را از دست داده‌اید.

۶. ساده‌زیستی: اصلاح الگوی مصرف، بدون قناعت و ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی امکان‌پذیر نیست، از این رو، در روایات اهل بیت (ع) کاستن از هزینه‌های زندگی و ساده‌زیستی، مکرر توصیه شده است. بر پایه روایتی از امام صادق (ع)، ویژگی‌های شخصی با ایمان این گونه است: «المؤمن حسن المعونه، جید التدبیر لمعیشته: مؤمن یاریگری شایسته است، کم خرج است و گذران زندگی‌اش را خوب تدبیر می‌کند.» بر این اساس، برنامه‌ریزی در جهت ارتقای فرهنگ ساده‌زیستی، یکی از مصادیق بهترین برنامه‌ریزی‌ها برای تدبیر زندگی و اصلاح الگوی مصرف است.

در این باره امام صادق (ع) سفارش فرمود: انظر الی من هو دونک فی المقدره ولا تنظر الی من هو فوقک فی المقدره، فان ذلک اقنع لک بما قسم لک: به ناتوان‌تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منگر؛ زیرا این کار تو را به آنچه قسمت تو شده، قانع‌تر می‌سازد.» رعایت این رهنمود، نقش مهمی در پیشگیری از چشم و هم‌چشمی و افراط در تجمل‌گرایی دارد.

۷. در نظر گرفتن جامعه: یکی از نکاتی که درباره موضوع ساده‌زیستی و اجتناب از تفریط در مصرف، توجه به آن ضروری است، در نظر گرفتن فرهنگ عمومی مردم، در زمان‌های مختلف است. به سخن دیگر، ساده‌زیستی به معنای استفاده از پوشاک یا غذای نامرغوب یا مسکن نامطلوب و در یک جمله «زندگی نامتعارف» نیست.

در روایتی از امام رضا (ع) آمده که می‌فرماید: «ان اهل الضعف من موالی یحبون ان أجلس علی اللبود والبس الخشن، ولیس یتحمل الزمان ذلک: دوستان سست عقیده‌ام، دوست می‌دارند که من بر پلاس بنشینم و جامه زمخت بپوشم؛ اما این روزگار گنجایش چنین کاری را ندارد.» همچنین هنگامی که سفیان ثوری با دیدن لباس زیبایی بر تن امام صادق (ع) به ایشان ایراد گرفت که

پدرانش از این گونه لباس‌ها استفاده نمی‌کرده‌اند، امام فرمود: «پدران من در روزگار فقر و تنگدستی زندگی می‌کردند، حال آنکه امروز، زمانه گشایش و فراخی است. پس شایسته‌ترین کسان برای بهره‌مندی از این گشایش، نیکان این زمانه‌اند.» بنابراین همسویی با فرهنگ مشروع حاکم بر جامعه، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه مطلوب و پسندیده است.

د - نیاید‌های اصلاح‌الگوی مصرف، از امکانات شخصی و عمومی بر پایه آنچه درباره ضرورت‌های اصلاح‌الگوی مصرف تبیین شد، معیارهای الگوی صحیح در مصرف عبارتند از: برنامه‌ریزی، میانه‌روی، رعایت اولویت‌ها، همدردی با توده‌های مردم در تنگناهای اقتصادی، ساده‌زیستی، اجتناب از تفریط، در نظر گرفتن فرهنگ حاکم بر جامعه، هزینه کردن بخشی از درآمد در جهت مصالح جامعه. بنابراین مصرف هر چه به این معیارها نزدیک‌تر باشد، پسندیده‌تر و هر چه دورتر باشد، نکوهیده‌تر و ناروا تر. اینک انواع مصرف‌های ناروا و ویژگی‌های آنها را بیان می‌کنیم:

۱. اسراف و تبذیر: اسراف در لغت، به معنای تجاوز از مرز اعتدال در هر کار است. ۳ در قرآن ۴ و حدیث نیز این واژه در معنای لغوی آن به کار رفته است. در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: «کل ما زاد علی الاقتصاد، اسراف: هر چه از میانه‌روی بگذرد، زیاده‌روی است.» همچنین از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «اعلم ان لكل شیء حدا، فان جاوزه كان سرفا: بدان هر چیزی اندازه‌ای دارد که اگر از آن بگذرد، زیاده‌روی است.» ۵

امام کاظم علیه‌السلام در روایتی، در تبیین سپاهیان عقل و جهل این دو گزینه را نیز آورده است: «القصود، الاسراف: میانه‌روی [و در برابر آن] زیاده‌روی.» این سخن اشاره به آن است که اصلاح‌الگوی مصرف و میانه‌روی در آن، مسأله‌ای عقلی است و آنچه را که اسلام در این باره آورده، چیزی جز ارشاد به حکم عقل نیست. درباره مفهوم اسراف چند نکته قابل توجه است:

یک: گستره اسراف

با عنایت به آنچه در تبیین مفهوم اسراف اشاره شد، مصادیق این واژه در زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار گسترده‌تر است، چنان که در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم آمده است: «فی کل شیء اسراف: در هر چیزی اسراف وجود دارد.» مفهوم اسراف در هر کاری می‌تواند

تحقق پیدا کند و هرکاری که از مرز اعتدال خارج شود، اسراف شمرده می‌شود؛ حتی در وضو گرفتن، اگر کسی بیش از حد نیاز آب مصرف کند، اسراف کار است.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که می‌فرماید: «میان‌روی کاری است که خداوند آن را دوست می‌دارد، و اسراف را ناخوش می‌دارد؛ حتی دور انداختن هسته [میوه] را؛ زیرا آن [نیز] به کاری می‌آید، و حتی دور ریختن زیادی نوشیدنی‌ات را.» بنابراین اسراف، تنها در خوردن و آشامیدن نیست، بلکه حتی دور ریختن هسته خرما یا هسته دیگر میوه‌هایی که برای کاشت قابل استفاده‌اند، اسراف محسوب شود، ولی در عصر ما، گستره اسراف بسیار گسترده‌تر از گذشته است: اسراف در بهره‌گیری از هوا و محیط‌زیست، در استفاده از بنزین، نفت، گاز و دیگر منابع حیاتی نیز مصداق دارد.

دو: اسراف کمی و کیفی

گاه اسراف در کمیت مصرف است؛ یعنی بیش از مقدار موردنیاز، مصرف کردن. گاه نیز در کیفیت مصرف تحقق پیدا می‌کند؛ بدین معنا که مصرف از نظر کمی بیش از حد نیاز نیست، ولی از نظر کیفی بیش از حد نیاز است؛ مانند پوشیدن لباس میهمانی - که برای حفظ آبروست - در منزل. روایت است که شخصی به نام سلیمان بن صالح از امام صادق علیه‌السلام پرسید: کمترین درجه اسراف چیست؟ امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود: «کمترین اندازه آن این است که لباس میهمانی‌ات را لباس خانه قرار دهی و ته‌مانده ظرفت را دور بریزی.» بر پایه روایتی دیگر، حتی انسان می‌تواند سی پیراهن داشته باشد و از هر یک به منظوری استفاده کند و اسراف شمرده نشود؛ ولی اگر لباسی را که برای حفظ آبرو باید در بیرون از خانه بپوشد، در خانه مورد استفاده قرار دهد، اسرافکار خوانده می‌شود.

بنابراین استفاده نابه‌جا از وسائل شخصی نیز از مصادیق اسراف است. استفاده نابهینه از لباس بیرونی، اسراف کیفی قلمداد می‌شود و دور ریختن باقیمانده آب مصرفی، اسراف کمی. همچنین

در روایت دیگری به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «انّ من السرف ان تاکل کل ما اشتهیت: یکی از نمونه‌های اسراف این است که هر چه دلت بخواهد، بخوری.» این سخن اشاره دارد به اینکه ممکن است کسی بیش از اندازه لازم، غذا نخورد، ولی در انتخاب نوع غذا اسرافکار باشد؛ یعنی به جای انتخاب غذای مفیدتر، غذای لذیذتر را انتخاب کند؛ به سخن دیگر: آنچه باید بخورد نمی‌خورد، بلکه آنچه می‌خواهد می‌خورد.

سه: نسبی بودن مفهوم اسراف

نکته قابل توجه دیگر در تبیین مفهوم اسراف، نسبی بودن آن است؛ بدین معنا که ممکن است بهره‌گیری مقداری یا نوعی از یک کالا برای یک نفر اسراف و تجاوز از حد اعتدال محسوب شود؛ ولی برای دیگری اسراف نباشد، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «آیا گمان می‌کنی خداوند انسان را در مالی که به وی عطا فرموده، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد؟ حال آنکه اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می‌کند.» بر پایه این روایت مثالی می‌زنیم: در زمان ما، دو نفر هستند که می‌توانند اتومبیلی به قیمت یک صد میلیون تومان تهیه کنند، یکی از آنها نیازمند به اتومبیلی با این قیمت است؛ ولی دیگری اتومبیلی با قیمت بیست میلیون تومان هم برای تأمین نیازهایش کافی است، اگر هر دو، اتومبیل یکصد میلیون تومانی تهیه کردند، شخص دوم اسرافکار است و اولی اسرافکار نیست؛ چون فرد دوم از مرز اعتدال تجاوز کرده و دیگری تجاوز نکرده است.

چهار: اسراف در کارهای خیر

برخی از روایات دلالت دارند که در کارهای نیک، اسراف نکوهیده نیست؛ مانند آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می‌فرماید: «لاخیر فی السرف، ولاسرف فی الخیر: در اسراف خیری نیست و در [کارهای] خیر، اسراف نیست.»^۶ در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است: «الاسراف مذموم فی کل شیء إلا فی أفعال البر: اسراف در هر چیزی ناپسند است، مگر در

اما بی تردید، مقصود از این روایات این نیست که انسان حق دارد همه اموال خود را به بهانه نیکی کردن به دیگران ببخشد، و خود و خانواده خویش را به فقر و فلاکت بیندازد. قرآن کریم انفاق انسان‌های شایسته را چنین توصیف می‌کند: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما: و کسانی که هر گاه انفاق می‌کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری؛ بلکه میان این دو، حد اعتدال را رعایت می‌کنند.» (فرقان/۶۷)

نیز در موردی پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله همه اموالی را که نزدش بود، انفاق کرد؛ به گونه‌ای که دیگر نزد او چیزی نماند تا بتواند پاسخگوی نیاز دیگران باشد که خداوند متعال، ایشان را از این کار نهی فرمود. بنابراین مقصود از روایاتی که تأکید دارند بر اینکه در کارهای نیک اسراف نیست، دفع توهم نکوهیده بودن گشاده‌دستی در کارهای خیر است و تأکید بر این نکته که نه تنها در کارهای خیر، گشاده‌دستی نکوهیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است. این معنا در روایتی که وصایای پیامبر (ص) به امام علی (ع) را گزارش کرده نیز به روشنی دیده می‌شود: «أما الصدقة فجهدک حتى تقول: قد أسرفتم ولم تسرف: صدقه آن است که تا توان داری، ببخشی، چندان که بگویی: اسراف کردم، ولی اسراف نکرده باشی.» ۸ این بدان معناست که مؤمن باید در انفاق در راه خدا، آن‌قدر گشاده‌دست باشد که خیال کند اسراف کرده است؛ ولی در واقع، کار او اسراف نیست، بلکه گشاده‌دستی است.

با این توضیح، مقصود از روایاتی که دلالت دارند اسراف، در شماری از مصارف، قابل تحقق نیست نیز روشن می‌گردد؛ مانند آنچه از امام صادق (ع) نقل شده که می‌فرماید: «لیس فی الطعام سرف؛ در خوراک اسراف نیست.» ۹ یا از امام علی (ع) نقل شده که می‌فرماید: «لیس فی المأکول والمشروب سرف: در خوردنی و آشامیدنی اسراف نیست.» ۱۰ یا روایت مرفوعه‌ای ۱۱ که کلینی (ره)

آورده است: «ما انفقت فی الطیب فلیس بسرف: مالی که صرف بوی خوش (عطر) می کنی، اسراف نیست.» ۱۲

بی تردید مقصود از این روایات این نیست که تهیه غذاهای گوناگون مازاد بر نیاز یا پرخوری اسراف نیست! یا اگر انسان در دیوار خانه اش را هر روز با عطر و گلاب شستشو دهد، مانعی ندارد، بلکه این را می رساند که گشاده دستی در تهیه غذاهای لذیذ و نوشیدنی های گوارا و عطرها ی دلپذیر، در حدّ میانه روی، اسراف محسوب نمی شود، چنان که در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است: «لیس فیما اصلح البدن إسراف... إنّما الإسراف فیما أتلف المال وأضر بالبدن: در آنچه بدن را سالم نگه می دارد، اسراف نیست...، بلکه اسراف، در چیزهایی است که مال را تلف می کند و به بدن زیان می رساند.» ۱۳ در همه این موارد، مقصود یک چیز است و آن، دفع توهم صدق اسراف بر مصارفی است که گشاده دستی در آنها نه تنها نکوهیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است.

پنج: فرق اسراف و تبذیر

پیش از این، توضیح دادیم که «اسراف» به معنای تجاوز از حد اعتدال در هر کار است؛ اما «تبذیر» از ریشه «بذر» به معنای پاشیدن دانه است. هنگامی که این واژه در مباحث اقتصادی به کار می رود، به معنای مصرف کردن مال به صورت غیرمنطقی و نارواست. معادل کلمه «تبذیر» در فارسی «ریخت و پاش» است. برخی از لغت شناسان در تبیین فرق میان اسراف و تبذیر گفته اند: «اسراف به معنای گذشتن از حد، در صرف مال است و تبذیر اتلاف مال در غیر محل آن است، پس تبذیر از اسراف بدتر است و به همین جهت، خدای متعال فرموده است: «انّ الْمَبذُورین کانوا اخوان الشیاطین: همانا تبذیرکنندگان برادران شیاطین اند.» (اسرا / ۲۷) ۱۴

بنابراین «تبذیر» عبارت است از مصرف کردن مال در جایی که نباید مصرف شود، هر چند اندک باشد و بر این اساس، تبذیر نوعی اسراف شمرده می شود، چنان که در برخی از روایات به این

مطلب تصریح شده است: «إن التبذیر من الإسراف: همانا تبذیر [نوعی] از اسراف است.» از این رو، در شماری از روایات، اسراف و تبذیر در کنار هم مورد نکوهش قرار گرفته‌اند: «خرج کردن نا به جا، به یقین، حیف و میل و اسراف است.»

گفتنی است که برخی تبذیر را صفت کیفی می‌دانند و اسراف را صفت کمی؛ مثلاً اگر خریدن اجناس بسیار مرغوب، با آن قیمت‌های بالا، مورد نیاز نباشد، «تبذیر» است؛ ولی «اسراف» نیست. به عکس، خریدن چند چیز بیش از حد نیاز، اسراف است و تبذیر نیست؛ ولی با تأمل رد آنچه در تبیین معنای اسراف و تبذیر گذشت، مشخص می‌شود که این سخن صحیح نیست. اسراف و تبذیر، هم می‌توانند صفت کیفی باشند و هم صفت کمی.

شش: اسراف، عنوان کلی انواع مصرف‌های ناروا

با عنایت به مفهوم دقیق اسراف باید گفت که این واژه عنوان کلی و جامع انواع مصرف‌های نارواست؛ بنابراین آنچه پس از این، در ذیل عنوان مصرف‌های ناروا خواهد آمد، در واقع مصداقی از مصادیق اسراف است.

۲. افراط در رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی

خطرناک‌ترین مصادیق اسراف، افراط در رفاه‌طلبی، لذت‌جویی و تجمل‌گرایی است که در قرآن و روایات اسلامی از آن با عنوان‌های: «اتراف» و «تنعم» یاد شده و جامعه اسلامی نسبت به آن هشدار داده است.

این ویژگی خطرناک، در واقع، زمینه‌ساز انواع گناهان و آلودگی‌های فردی و اجتماعی است. در روایتی، امام علی (ع) درباره خطر افراط در رفاه‌طلبی می‌فرماید: «اتقوا سكرات النعمه، واحذروا بوائق النقمه: از سرمستی‌های نعمت بترسید و از سختی‌های خشم و انتقام [خداوند] دوری کنید.»^{۱۵} رفاه‌طلبی، لذت‌جویی، هواپرستی، خوشگذرانی و تجمل‌گرایی چنان انسان را سرمست می‌کند که نه تنها برای مسائل انسانی و اخلاقی ارزشی قائل نمی‌شود، بلکه در برابر کسانی که مردم را به

ارزش‌های انسانی و اخلاقی دعوت می‌کنند، به مخالفت برمی‌خیزد.

از این‌رو، در همه دوران‌ها «مترفان (خوشگذران‌ها)» در صف مقدم مخالفان پیامبران الهی بودند: «و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الاقال مترفوها انا بما ارسلتم به كفرون. وقالوا نحن اكثرنا مولا واولدا و ما نحن بمعذبين (سبا / ۳۴ و ۳۵): و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم، جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید، کافریم» و گفتند: «ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد» از این‌رو، برای پیشگیری از خطری که مترفان در طول تاریخ، گرفتار آن شدند، دوری گزیدن از رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی ضروری است. در روایتی از پیامبر خدا (ص) آمده است: «ایاک والتنعم؛ فان عبادة الله ليسوا بالمتنعمين: از نازپروردگی دور باش که بندگان خداوند نازپرورده نیستند.»

فرق میان تجمل و تجمل‌گرایی

البته باید توجه داشت که پرهیز از تجمل‌گرایی به معنای بی‌توجهی به آراستگی ظاهری زندگی نیست. از این‌رو در روایات اسلامی، از یک سو مسلمانان را به ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی توصیه می‌کند و از سوی دیگر، به زیبایی و آراستگی ظاهر تشویق می‌کند. در حدیث نبوی آمده است: «إن الله جميلٌ يحبُّ الجمال، و يحبُّ أن یری نعمته علی عبده: هرآینه خداوند زیباست، زیبایی را دوست می‌دارد و دوستار آن است که نعمت خویش را بر بنده‌اش بنگرد.» به سخن دیگر، میان تجمل و تجمل‌گرایی فرق است. تجمل به معنای آراستگی ظاهر و تجمل‌گرایی به معنای افراط و زیاده‌روی در آراستگی است. میان‌روی در بهره‌گیری از نعمت‌های الهی و آراستگی زندگی، امری نیکوست، اما زیاده‌روی در آن، مانند تنوع بیش از حد لباس و لوازم آرایشی، و محیط‌آرایی جدید هر ساله منزل، اسراف و نکوهیده است.

۳. تباه کردن ثروت

یکی از وظایف عقلی و شرعی شخص مسلمان، پیشگیری از تباه شدن ثروت شخصی و مهمتر از

آن، اندوخته‌های ملی است. تباهی ثروت گاه در نتیجه سستی در پاسداری از آن است و گاه بر اثر مصرف نابه جای آن. در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: «هر کس از شما مالی دارد، از فساد برحذر باشد که هر آینه، اگر بخشیدن آن مال نابه‌جا باشد، ریخت و پاش و اسراف است و هر چند نام وی را در میان مردم برمی‌کشند، وی را نزد خداوند فرومی‌آورد. هیچ کس نیست که مالش را نابه‌جا و برای غیرشایستگان صرف کند، جز آنکه خداوند سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستی جز او در دلشان افتد.»

مصرف نابه‌جا نیز مصادیق مختلفی دارد که خطرناک‌ترین آنها مصرف کردن مال در راه گناه و کارهای ناشایست است. از امام علی علیه‌السلام نقل شده که می‌فرماید: «انَّ انْفَاقَ هَذَا الْمَالِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ اعْظَمُ نِعْمَةً، وَانَّ انْفَاقَهُ فِي مَعْاصِيهِ اعْظَمُ مِحْنَةً: بخشیدن این مال برای بندگی خدا، بزرگترین نعمت، و دادن آن در راه نافرمانی خداوند، بزرگترین گرفتاری است.» همه کارهایی که، حقیقتاً یا حکماً، به تباهی ثروت می‌انجامند، از مصادیق اسراف به شمار می‌روند و از نظر اسلام نکوهیده و ناپسندند.

۴. ساخت و سازهای بی‌رویه و افزون بر نیاز

یکی دیگر از مصادیق اسراف - که مورد ابتلای بسیاری از ثروتمندان است - ساخت و سازهای بی‌رویه و افزون بر نیاز است. در روایتی از پیامبر خدا (ص) آمده است: «من بنی بناءً أكثر مما يحتاج إليه، كان عليه وبالاً يوم القيامة: هر کس ساختمانی بیش از اندازه نیازش بسازد، روز قیامت بر او سنگینی خواهد کرد.» این نوع اسرافکاری، به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از مردم توان تهیه کوچکترین سرپناه را برای خود ندارند، به شدت نکوهیده شده است و معصومان علیهم‌السلام در روایاتشان، باتعبیرهای بسیار تنیدی، مسلمانان را از ساختن چیزی که به آن نیاز ندارند، نهی کرده‌اند.

۵. پیروی کورکورانه از بیگانگان در مصرف

همانند بیگانگان مصرف کردن، پیامدهای زیانباری برای اقتصاد و فرهنگ جامعه اسلامی دارد؛ اما

بی‌تردید، آثار سوء فرهنگیِ مصرف‌گرایی به شیوهٔ بیگانگان، به مراتب خطرناک‌تر از زیان‌های اقتصادی آن است. از دیرباز، بیگانگان برای به سلطه درآوردن کشورهای دیگر از اقتصاد به عنوان ابزار سلطهٔ فرهنگی و به دنبال آن، سلطهٔ سیاسی بهره می‌بردند. از این رو، در روایات اسلامی، مسلمانان به شدت از تشبیه به بیگانگان در مصرف و پیروی کورکورانه از آنان نهی شده‌اند. در حدیثی، امام باقر علیه‌السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌فرماید: «خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که به قومش بگوید: همچون دشمنان خدا لباس نپوشند، مثل آنان خوراک نخورند، و به شکل ایشان درنیایند، که در این حال همچون آنان دشمن خدا خواهند بود.» براین اساس، مصرف‌گرایی به شیوهٔ بیگانگان، در صورتی که مصداق اسراف کمی نباشد، یکی از مصادیق بسیار خطرناک اسراف کیفی است و مبارزهٔ همگان برای پیشگیری از مفاسد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن لازم و ضروری است.

۶. تفریط در مصرف

تفریط در مصرف، مانند اسراف و افراط در آن، پیامدهای زیانبار گوناگونی دارد. از این رو اسلام از یک سو با افراط و اسراف در مصرف به شدت مخالف است و به میانه‌روی و ساده‌زیستی سفارش می‌کند و از سوی دیگر، تفریط در مصرف و سختگیری بر خود و خانواده را نیز محکوم می‌نماید. در حدیث نبوی آمده است: «کلوا واشربوا و تصدقوا والبسوا فی غیر مخیله ولاسرف. إِنَّ اللَّهَ یحبُ أَنْ تری نعمته علی عبده: بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بدون فخر فروشی و اسراف‌کاری جامه بپوشید؛ زیرا خداوند دوست می‌دارد که نعمتش بر بنده‌اش نگریسته شود.» افزون بر آیات و روایاتی که به بهره‌گیری از مواهب الهی توصیه دارند، در احادیث فراوانی، کسانی که خود را از لذت‌های مشروع زندگی محروم می‌کنند، به شدت نکوهش شده‌اند. روایت شده است که پیامبر (ص) هنگامی که شنید ده نفر از اصحاب او شماری از لذت‌های زندگی را بر خود تحریم کرده‌اند، ضمن نکوهش این اقدام، در یک سخنرانی عمومی فرمود: «أئما هلك من

قبلکم بالتشديد: شددوا على أنفسهم فشدّ الله عليهم، فأولئك بقاياهم في الدّيارِ والصّوامع: جز این نیست که کسانی پیش از شما بر خود سخت گرفتند و از این روی هلاک شدند. ایشان بر خود سخت گرفتند و خدای هم بر آنان سخت گرفت. پس اینان (راهبان و کشیشان)، باقی مانده در دیرها و صومعه‌ها هستند.»

هـ - راهکارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی

هدر دادن منابع ملی و درست مصرف نکردن بودجه عمومی کشور، یکی از بزرگترین خطرهایی است که همه نظام‌های سیاسی - به‌ویژه نظام‌هایی که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و مردم‌سالاری دینی‌اند - تهدید می‌کند. از این رو اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی به مراتب مهمتر، ضروری‌تر و فوری‌تر از اصلاح الگوی مصرف از درآمدهای فردی است.

براین اساس، در جمهوری اسلامی ایران، همه ارگان‌ها، به‌ویژه دولت، باید با بهره‌گیری از فضایی که نام‌گذاری سال جاری (۱۳۸۸) برای اصلاح الگوی مصرف پدید آورده، نهایت توان خود را در جهت اصلاح الگوی مصرف از بودجه عمومی و امکانات ملی به کار گیرند و این حرکت پربرکت را در نهادهای تحت اشراف خود، به طور جدی آغاز کنند. مهمترین راهکارهایی که با بهره‌گیری از رهنمودهای پیشوایان اسلام می‌توان برای اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی ارائه داد، عبارت‌اند از:

۱. تقویت برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی

نخستین گام در اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی، تقویت برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی است. در روایتی از امام علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «حسن التدبیر و تجنب التبذیر من حسن السیاسة: حسن تدبیر و پرهیز از حیف و میل، [بخشی] از حسن سیاست است.» بر پایه این روایت، سیاستمداران نظام اسلامی برای استفاده بهینه از منابع ملی، از یک سو باید تدبیرهای اقتصادی خود را تقویت کنند و از سوی دیگر، از زیاده‌روی‌ها و ریخت و پاش‌های بی‌فایده در دستگاه‌های

دولتی پیشگیری نمایند. امیر مؤمنان علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: «سوء التَّدبیر مفتاح الفقر: سوء تدبیر کلید فقر است.»^{۱۶} این سخن بدین معناست که سیاستمدارانی که از تدبیر لازم در مدیریت اقتصادی کشور برخوردار نیستند، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه هستند.

۲. استفاده بهینه از منابع ملی

رعایت اولویت‌هایی که موجب استفاده بهینه از منابع ملی و بودجه عمومی است، به مراتب مهمتر از رعایت اولویت‌ها در هزینه کردن از منابع شخصی است. از این رو، بر همه مدیران در نظام اسلامی فرض است که با همه توان خود تلاش کنند تا از منابعی که از بودجه عمومی در اختیار دارند، به بهترین وجه، در جهت مصالح مردم استفاده نمایند و بدین سان در آزمون امانتداری اموال عمومی موفق باشند: «انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملاً: در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.» (کهف/۷) بی‌تردید، تلاش برای استفاده بهینه از منابع و امکانات ملی یکی از مصادیق بارز این آیه کریمه، و موفقیت در این تلاش دستیابی به پاداش بهترین عمل است.

۳. نهایت صرفه‌جویی

یکی از لوازم اجتناب‌ناپذیر استفاده بهینه از منابع ملی، صرفه‌جویی همراه با تدبیر در مصرف بودجه عمومی است. امام علی (ع) در این باره بخشنامه‌ای به کارگزاران حکومتی خود دارد که بسیار قابل تأمل و آموزنده است. متن این بخشنامه چنین است: «أدقوا أقلامکم، و قاربوا بین سطورکم، واحذفوا عنی فضولکم، واقصدوا قصد المعانی، و إیاکم والاکثار؛ فإن أموال المسلمین لاتحتمل الاضرار: قلم‌هایتان را تیز کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید. [در نگارش] برای من، زیادی‌ها را حذف کنید و به معنا بنگرید و از زیاده‌نویسی بپرهیزید؛ چرا که بیت‌المال مسلمانان زیان بر نمی‌تابد.»

این بخشنامه بدین معناست که سیاست صرفه‌جویی در اموال عمومی باید به صورت قانون و

دستورالعمل، به کارگزاران نظام اسلامی ابلاغ شود و آنان موظف‌اند برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر از وقت خود و مدیریت‌های بالاتر از خود و امکانات ملی نهایت صرفه‌جویی را داشته باشند.

۴. پیشگیری از سوءاستفاده شخصی و خانوادگی

در نظام اسلامی، باید پیشگیری از سوءاستفاده شخصی و خانوادگی از امکانات ملی، در میان کارگزاران، به فرهنگ تبدیل شود. آنان باید توجه داشته باشند که اموال عمومی در اختیار آنها، در واقع، امانت ملی‌اند و تنها در خصوص مسئولیتی که به عهده دارند، می‌توانند از این امکانات استفاده کنند و هرگونه استفاده شخصی از امکانات عمومی نامشروع است. مشهور است که امیرمؤمنان(ع) در شبی مشغول نوشتن چگونگی تقسیم اموال بودند که طلحه و زبیر نزد ایشان رسیدند. به محض ورود آنها، امام چراغی را که در برابرش بود، خاموش کرد و دستور داد چراغی دیگر از خانه‌اش بیاورند! آنان که از این برخورد امام شگفت‌زده شده بودند، سبب را پرسیدند، امام‌پاسخ داد: «کان زیته من بیت‌المال، و لاینبغی أن نصابکم فی ضوئه: روغن آن چراغ از بیت‌المال بود؛ از این رو سزاوار نیست که با شما در روشنایی‌اش همنشین کنیم!»

در حکومت امام علی(ع)، در بهره‌گیری از بیت‌المال، تفاوتی میان نزدیکان امام و دیگران وجود نداشت. یکی از نکات بسیار آموزنده در سیره علوی این است که یک روز پیش از شهادت آن امام بزرگ، مردم بر او وارد شدند و گواهی دادند که حقوق آنان را از بیت‌المال، به طور یکسان رعایت کرده، استفاده شخصی از بیت‌المال نداشته و با دورترین مردم در حکومت، همانند نزدیک‌ترین آنان به او رفتار شده است. بنابراین پیروان راستین امام علی(ع) و مدیرانی که افتخار خدمت در نظام منسوب به آن بزرگوار را دارند، باید با یاری جستن از خداوند متعال و روح بلند آن امام بزرگ، همه توان خود را در جهت نزدیک شدن هرچه بیشتر به آن الگوی کامل انسانیت به کار گیرند.

۵. دوری جستن از بذل و بخشش اموال عمومی

از دیدگاه اسلام بخشش نیکوست؛ اما از اموال خود، نه از اموال دیگران. بخشش از اموال دیگران نه تنها نیکو نیست، بلکه نکوهیده و ناپسند است. لذا در نظام اسلامی، دولتمردان حق ندارند از اموال ملی بیخشند. در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «جود الولاة بفیء المسلمین جورٌ و ختر: بخشش حکمرانان از اموال مسلمانان، بیدادگری و خیانت است.»

در سیره حکومتی علوی آمده: هنگام تقسیم بیت‌المال، برده پیری نزد امیرمؤمنان (ع) آمد و تقاضای یاری کرد. امام (ع) به او فرمود: «والله، ما هو بکدّ یدی ولا تراثی من الوالد، ولکنها أمانة ارعیتها فأنا أوذیها إلی أهلها: به خدا سوگند! این، نه دسترنج من است و نه میراثم از پدرم، بلکه امانتی است که به من سپرده شده. پس آن را به اهلش می‌رسانم.» در ادامه، امام با درخواست یاری از مردم مشکل آن نیازمند را حل کرد.

و - سیره پیشوایان دین در مصرف

عصمت پیشوایان بزرگ الهی و مصونیت آنان از گناه و اشتباه ایجاب می‌کند که سیره عملی آنان در مسائل مختلف، از جمله مصرف درآمدها، یکسان باشد و تفاوت‌های ظاهری مقتضای شرایط زمان و مکان زندگی آنهاست؛ مثلاً اگر امام علی (ع) در زمان امام صادق (ع) زندگی می‌کرد، همان‌گونه می‌زیست که امام صادق (ع) زندگی کرده بود. عکس این مطلب نیز صادق است. بر این اساس، نکاتی که در سیره عملی هر یک از پیشوایان دیده می‌شود، قابل تسری به همه آنهاست. با این نگاه، در بررسی سیره پیشوایان بزرگ دین مشخص می‌شود که همه باید‌ها و نبایدهای الگویی مصرف رعایت شده؛ اما چند نکته برجسته و قابل توجه است:

۱. رعایت وظیفه خاص پیشوایان

وظیفه الهی همه پیشوایان عدل این است که در مصرف، همانند تهی‌دست‌ترین مردم زندگی کنند تا اسوه و الگویی برای همه مردم باشند و مشکلات اقتصادی فشار روانی دوچندانی بر بینوایان وارد نسازد: «إن الله عزوجل فرض علی أئمة العدل أن یقدروا أنفسهم بضعفة الناس کیلا یتبیغ

بالفقر فقره: خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده است که خود را با مردم تهیدست همسان سازند، تا مبادا ناداری تهیدست، او را برافروخته سازد.» از این رو، انبیا و امامان در شرایطی که فقر از جامعه ریشه کن نشده بود، نهایت قناعت و ساده‌زیستی را در زندگی خود رعایت می‌کردند؛ اما در عین حال، دیگران را به میانه‌روی توصیه می‌نمودند و اجازه نمی‌دادند که دیگران، خود را از لذت‌های مشروع زندگی محروم کنند.

۲. رعایت مقتضیات زمان

پیشوایان دین، همواره مقتضیات زمان خود را در مقدار مصرف و چگونگی آن رعایت می‌کردند؛ بدین معنا که: اولاً امامان کاری را که موجب انگشت‌نما شدن آنها شود، انجام نمی‌دادند. از این رو امام صادق(ع) در پاسخ کسی که به او ایراد می‌گیرد که: «چرا برخلاف سیره جدّ امام علی که از لباس‌های ارزان و خشن استفاده می‌کرد - از لباس نو و نرم استفاده می‌کنی؟!» می‌فرماید: «علی(ع) در زمانی از آن نوع لباس استفاده می‌کرد که در فرهنگ عمومی زشت نبود و اگر در زمان ما چنین لباسی می‌پوشید، انگشت‌نما می‌شد؛ بنابراین بهترین لباس در هر زمان، لباس مردم همان زمان است.

ثانیاً در شرایط مناسب اقتصادی که همه مردم می‌توانستند از امکانات مناسب زندگی بهره‌مند شوند، امامان نیز در استفاده کردن از مواهب الهی پرهیز نمی‌کردند. به همین جهت، در روایتی دیگر امام صادق(ع) در پاسخ به این ایراد سفیان ثوری که به ایشان گفته بود: «چرا پدران از لباس‌های زیبا استفاده نمی‌کردند؛ اما شما استفاده می‌کنید؟» می‌فرماید: «آنان در روزگاری زندگی می‌کردند که مردم در فقر و تنگدستی بودند؛ ولی در شرایط کنونی که وضع اقتصادی مردم خوب است، نیکان سزاوترند که از مواهب الهی بهره‌مند شوند.»

۳. در تنگنا قرار ندادن خانواده

قناعت و ساده‌زیستی پیشوایان موجب در تنگنا قرار دادن خانواده و سختگیری بر آنان نبود. شیخ

کلینی از امام صادق(ع) روایت کرده که: پیامبر خدا(ص) امکانات مورد نیاز خانواده خود را به خوبی تأمین می‌کرد و درباره فلسفه این اقدام، ایشان می‌فرماید: «ان النفس اذا عرفت قوتها قنعت به و نبت عليه اللحم: نفس انسان اگر از روزی اش آگاه باشد، به آن رضایت می‌دهد و گوشت با روزی می‌روید.» این سخن بدین معناست که اگر امکانات مورد نیاز انسان در زندگی تأمین نباشد، از نظر روحی و جسمی با مشکل روبه‌رو می‌شود؛ اما وقتی نیازهای او تأمین شود، احساس آرامش روانی می‌کند و از نظر جسمی هم نیرومند می‌گردد. پیشوایان الهی، شخصاً، از قدرت روحی خارق‌العاده‌ای برخوردار بودند که کمبودهای مادی آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌داد؛ ولی همسر یا دیگر اعضای خانواده آنها - که از این قدرت روانی برخوردار نبودند - نمی‌توانستند مانند آنها باشند. همچنین گزارش کتاب شریف «الکافی» از خانه مزین همسر امام باقر(ع) نیز نشان‌دهنده این معناست که هر چند اهل بیت در زندگی شخصی، فقر اختیاری را برگزیده بودند؛ اما هیچ‌گاه همسر و خانواده خود را در تنگنا و سختی قرار نمی‌دادند.

۴- آراستگی همراه با ساده‌زیستی

پیشوایان الهی به موجب روایت: «ان الله جميل يحب الجمال» در عین ساده‌زیستی، از نظر ظاهری کاملاً آراسته بودند. البته آراستگی آنان شبیه آرایش اسرافکاران و مستکبران نبود؛ ولی آنان از نظر رنگ لباس، پاکیزگی و معطر بودن، برای مخاطبان جذابیتی خاص داشتند. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «العطر من سنن المرسلین: عطر زدن از سنت‌های پیامبران است.» همچنین از ایشان روایت شده: «کان رسول الله (ص) ینفق فی الطیب أكثر مما ینفق فی الطعام: پیامبر خدا (ص) برای عطر بیشتر از غذا خرج می‌کرد.» روایت شده که پیامبر خدا(ص) نه تنها برای خانواده خود، بلکه برای دیدار با یارانش نیز خویشتن را می‌آراست و می‌فرمود: «خداوند دوست دارد که بنده اش وقتی برای دیدار با برادرانش از خانه بیرون می‌رود، خود را بیاراید و آماده دیدار آنها نماید.»

۵- گرامیداشت میهمان

یکی از حقوق میهمان گرمی داشتن اوست. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «ان من حق الضیف ان یكرم: از حقوق میهمان این است که گرمی داشته شود.»^{۱۷} در احادیث اسلامی، رهنمودهای فراوانی برای چگونگی احترام به میهمان وارد شده است، یکی از آنها آماده‌سازی بهترین غذایی است که تهیه آن برای میزبان، به سادگی امکان‌پذیر است. از امام علی (ع) روایت شده که می‌فرماید: «اذا دخل علیک أخوک المؤمن، فاطعمه من أطیب ما فی بیتک: هرگاه برادر مؤمنت بر تو وارد شد، از بهترین غذایی که در خانه‌ات داری، به او بخوران.»^{۱۸}

بر پایه روایاتی که کلینی (ره) نقل کرده، اهل بیت، خود در انجام دادن این رهنمود پیشگام بودند. ابو خالد کابلی روایت کرده که صبحانه‌ای میهمان امام باقر (ع) بودم، تا آن موقع غذایی پاکیزه‌تر و خوشبوتر از آن صبحانه نخورده بودم. پس از صرف غذا امام به من فرمود: «چگونه دیدی غذای ما را؟» گفتم: غذایی پاکیزه‌تر و خوشبوتر از این نخورده بودم؛ ولی [هنگام خوردن غذا] به یاد این آیه افتادم که در کتاب خدا آمده: «لتسئلن یومئذ عن النعیم (تکواثر / ۸): البته در قیامت، از نعمت‌هایی که داشته‌اید، بازپرسی خواهید شد.» گویا ابو خالد تصور می‌کرد که خوردن غذای لذیذ و مطبوع موجب طول حسابرسی روز قیامت خواهد شد؛ از این رو در فکر بود که چرا در خانه حضرت غذایی به این لذیذی تهیه شده است! بدین جهت، ابهام خود را با اشاره به آیه یاد شده مطرح کرد. امام در پاسخ فرمود: «لا، انما تسألون عما أتم علیہ من الحق: نه! آنچه درباره‌اش از شما بازخواست می‌کنند، عقیده حقی است که شما دارید.»

۶- ایثار نسبت به نیازمندان

یکی از ویژگی‌های پیشوایان الهی این بود که تأمین نیازهای دیگران را بر خود مقدم می‌داشتند. در مورد پیامبر (ص) نقل شده: «ما شبع رسول الله ثلاثه ایام متوالیه حتی فارق الدنیا، ولو شاء لشبع، ولکنه کان یؤثر علی نفسه: پیامبر خدا (ص) تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز سه روز پیایی، غذای

سیر نخورد. البته اگر می‌خواست، می‌توانست سیر بخورد، اما دیگران را بر خود مقدم می‌داشت.»

پی‌نوشت‌ها:

۱. الگو: شخص یا چیزی که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزهاست؛ نمونه؛ سرمشق (فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، ج ۱، ص ۵۲۲)
۲. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۱۲۹، ح ۱۴۳۲۸
۳. مفردات الفاظ القرآن، راغب، ذیل واژه «سرف»
۴. از نگاه قرآن کریم، هر کاری که خارج از مرز اعتدال انجام شود، اسراف است و انجام دهنده آن مسرف نامیده می‌شود. از این رو، قرآن همان‌طور که شخص پرخور را مسرف می‌نامد (اعراف/۳۱)، گناهکار را نیز مسرف می‌خواند (زمر/۵۳). همچنین شخص مستبد و مستکبر را هم مسرف می‌داند (یونس/۸۳)؛ زیرا اولی درباره جسم، دومی درباره جان، و سومی درباره جامعه، از مرز اعتدال خارج شده‌اند.
۵. نزهة الناظر، ص ۱۷۸، ح ۵۴
۶. عوالی الآلی، ج ۱، ص ۲۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵، ح ۲. گفتنی است که در بسیاری از منابع، این سخن به عنوان روایت نقل نشده است.
۷. غرر الحکم، ح ۱۹۳۸
۸. الکافی، ج ۸، ص ۹، ح ۳۳
۹. المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۴۴۴
۱۰. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۱
۱۱. حدیث مرفوع: حدیثی که راوی، آن را از پیامبر (ص) یا یکی از اهل بیت (ع) نقل کرده؛ اما سلسله سند خود را تا گوینده حدیث ذکر نکرده است.
۱۲. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۶
۱۳. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۸۷، ح ۸۶۸۳
۱۴. معجم الفروق اللغویه، ص ۱۱۴
۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۵
۱۶. میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۳۷، ح ۹۱۸۵
۱۷. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۵، ح ۳ (عن سلیمان بن حفص عن الامام الصادق (ع)؛ کتاب من لایحضره

الفقيه، ج ٣، ص ٣٥٧، ح ٤٢٦١؛ مكارم الاخلاق، ج ١، ص ٣٢٩، ح ١٠٥٠ (وفيه «وفى خبر آخر...» و
ليس فيهما «أن يكرم»); بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٤٥٥، ح ٢٦١٨. دعائم الاسلام: ج ٢، ص ١٠٧، ح
٣٤٢.

حجه الاسلام والمسلمين دكتور سيد علي رضا حجازي
استاديار وعضو هينت علمي دانشگاه قم
واستاد جامعه المصطفى العالميه
Sa.hejazi@yahoo.com
09122538671